

کی می میری مامان؟

مارتینا روزنبرگ
ترجمہ ی پریش شہابی



انشارات میلکان

روزنبرگ، مارتینا	Rosenberg, Martina	سرشناسه
کی می میری مامان؟! مارتینا روزنبرگ: ترجمه‌ی پریوش شهبایی.		عنوان و نام پدیدآورنده
تهران: میلکان، ۱۳۹۳.		مشخصات نشر
۲۱۵ ص		مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۰۰-۷۴۴۳۰۰۹-۵		شابک
قیما		وضعیت فهرست نویسی
عنوان اصلی: Mutter, wann stirbst du endlich? . ۲۰۱۲.		یادداشت
داستان‌های آلمانی - قرن ۲۰ م.		موضوع
شهبایی، پریوش، ۱۳۴۷ - مترجم		شناسه افزوده
۹۷۸۰۶۰۰۷۴۴۳۰۰۹۰۵		رده بندی کنگره
۹۱۴۸۴۲		رده بندی دیویی
۳۴۹۱۷۰		شماره کتاب‌شناسی ملی

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Mutter, wann stirbst du endlich?, ۲۰۱۲

by Martina Rosenberg



انتشارات میلکان

کتاب‌های سرخ‌وسپاه — ۸

کسی می‌میری مامان؟ مارتینا روزنبرگ

ترجمه‌ی پریوش شهبابی

ویراسته‌ی محسن صلاحی‌راد

مدیر هنری: طاهّا ذاکر

طراح جلد: استودیو تهران، فرزانه راهدار

صفحه‌آرایی و آماده‌سازی: واحد تولید کتاب میلکان

لیتوگرافی: خزال

چاپ: دالاهو

چاپ اول، بهار ۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۴۳-۰۹-۵

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

انتشارات میلکان: تهران، خیابان آزادی، خیابان نوفلاح، پلاک ۶۵، واحد ۴

۶۶۴۲۰۹۹۸

www.milkan.ir

info@milkan.ir

هم در قبالِ کارهایی که می‌کنیم مسئول ایم

هم در قبالِ کارهایی که نمی‌کنیم.



پیشگفتار

نوشتن این کتاب درمانی برای دردهایم نبود؛ برعکس، یادآور دورانی بود که با پدر و مادر بیمارم زندگی می‌کردم و مجبور شده بودم کارهایی بکنم که انرژی زیادی از من می‌گرفتند.

ای کاش می‌توانستم خاطرات تلخ را در صندوقچه‌ی تجربیات تلخ گذشته بگذارم و بازگو نکنم؛ اما در نهایت، بعد از همفکری با خانواده‌ام، تصمیم گرفتم داستانم را بنویسم تا شاید تلنگری باشد برای تفکر بیشتر در اصل موضوع.

اولش این که نسل‌های مختلف همراه باهم زیر یک سقف زندگی کنند زیبا به نظر می‌رسد، اما ممکن است منجر به کابوسی بی‌پایان شود. می‌خواهم با کسانی حرف بزنم که با چنین وضعیتی روبه‌رو بوده و یا هنوز هستند.

می‌خواهم موضوع را روشن کنم و توضیح دهم که چقدر سخت و ناگوار است که انسان مدتی طولانی زیر فشارهای شدید روحی و روانی

باشد.

خیلی از وقت‌ها مشکلاتِ بزرگ نیستند که انسان را از پا درمی آورند؛ برعکس، موضوعات کوچک‌تری که هر روز و هر هفته و هر ماه مرتب تکرار می‌شوند اثر مخرب‌تری بر روح و روان انسان دارند، مخصوصاً موقعی که بدانید همه‌ی تلاش‌هایتان بی‌فایده است و ناامیدی بر زندگی روزمره‌تان حاکم شود، احساسی که سرانجام روزی شما را به وحشت می‌اندازد.

دورانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، بیشتر از هر دوره‌ای، با گذشته فرق دارد. امروزه فرزندان با وجود این‌همه مشکلاتِ کاری نمی‌توانند برای والدین همان کارهایی را بکنند که روزگاری آن‌ها برایشان انجام می‌دادند، و پرستاری از آن‌ها نیز تقریباً ناممکن است.

برای من بسیار مهم است که بتوانم دیگران را با این کتاب به ایجاد موقعیتی ترغیب کنم که با پدر و مادرشان در مورد چنین مشکلاتی حرف بزنند. در اطراف خودم مرتب فرزندان را می‌بینم که جرئت ندارند با والدین‌شان در مورد بالا رفتن سن آن‌ها و ناتوانی‌شان در انجام دادن کارها حرف بزنند و چاره‌ای بیندیشند. افراد مسن اغلب از پذیرش موضوع و هرگونه کمک یا حتی توصیه و پیشنهادی در این زمینه اجتناب می‌کنند. آن‌ها فراموش می‌کنند که فرزندان‌شان بخشی از روند پیر شدن‌شان هستند. به‌طور قطع ارتباط کلامی باهم و روشن کردن برخی از مشکلات اهمیت ویژه‌ای دارد: این‌که چه‌کسی می‌خواهد یا اصولاً می‌تواند پرستاری از آن‌ها را برعهده بگیرد؟ آیا زندگی در آسایشگاه سالمندان راه‌حل مناسبی است؟ و یا چه راه‌های دیگری برای حل مشکل وجود

دارند؟

کسی که خود چنین تجربه‌ای نداشته باشد هرگز نمی‌تواند حدس بزند که پرستاری از والدین چه فشار سنگینی بر دوش خانواده وارد می‌کند. ناآگاهی از چنین معضلی دلیل نگارش داستانم بود. داستان من نمونه‌ای است از هزاران داستان غم‌انگیز دیگر که در سرتاسر دنیا اتفاق می‌افتند.

www.ketab.ir